

تبیین مفهوم عدالت انتقالی در نظام بین‌المللی حقوق بشر با تأکید بر پرونده مصر

دکتر مهدی ذاکریان* - یوسف باقری حامد**

چکیده

عدالت انتقالی واکنشی به نقض سیستماتیک و یا گسترده حقوق بشر است. چنین عدالتی نوع خاصی از عدالت است که در جوامع در حال گذار، پس از یک دوره سوء استفاده گسترده در زمینه حقوق بشر حاصل می‌گردد. برخی از حکومت‌ها، ضرورت رسیدن به عدالت انتقالی و شیوه‌های دستیابی به آن را خود اتخاذ می‌نمایند. برخی از طرح‌های آنها عبارتند از: پیگرد کیفری، طرح جبران خسارات و اصلاح سیستم قضایی. در این پژوهش ما در صدد ارائه یک نمای کلی از تحقق عدالت انتقالی در مصر و نقد روش‌های انتخابی در آن کشور هستیم. با وجود اینکه، هدف از عدالت انتقالی در جوامع در حال گذار رسیدن به امنیت و صلح پایدار است، شهروندان مصری نتوانستند از آن به طور کامل بهره مند شوند. پرسش کلیدی پژوهشگران این نوشتار آنست که چرا فرآیند عدالت انتقالی در مصر موفقیت‌آمیز نبوده است؟ در این پژوهش اصلاحات نادرست قضایی و مداخله نظامی در قالب کودتا به عنوان فرضیه‌های مورد آزمون این پژوهش محسوب می‌شوند. در کنار سنجش این فرضیات، دو موضوع مسئولیت‌پذیری در حوزه عدالت انتقالی و تفاوت این نوع از عدالت با سایر مفاهیم مرتبط نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند. هدف نویسندگان این نوشتار گسترش ادبیات عدالت انتقالی در حوزه حقوق بین‌الملل کشور و توجه و هشدار به آسیب‌ها و چالش‌های پیش روی اجرای آن است.

کلید واژگان: عدالت انتقالی، حقوق بشر، مسئولیت بین‌المللی دولت، صلح پایدار.

*. دکتر مهدی ذاکریان، استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات است. (mzakerian@yahoo.com)

** یوسف باقری حامد، دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان است. (Yousef.bagheri@yahoo.com)

تبیین مفهوم عدالت انتقالی در نظام بین‌المللی حقوق بشر با تأکید بر پرونده مصر

مهدی ذاکریان*

یوسف باقری حامد**

دیباچه

این امری بدیهی است که عدالت انتقالی^۱ در درون جوامعی که حکومت آنها در حال گذار است، محقق می‌شود. اصولاً انتقال در این نوع جوامع به دنبال نقض‌های فاحش حقوق بشر و سوء استفاده‌های گذشته مقامات استبدادگر و مصونیت آنها از اعمال ارتكابی علیه اتباع خویش اتفاق می‌افتد. در ساختار داخلی این نوع جوامع، نیاز به حفظ نظم و امنیت، قدرت نامحدود و فوق قانون را افاده نموده و همین امر سبب می‌شود تا موضوع نظم و امنیت با

*. دکتر مهدی ذاکریان، استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات است. (mzakerian@yahoo.com)

**یوسف باقری حامد، دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان است. (Yousef.bagheri@yahoo.com)

1- Transitional Justice.

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال دوازدهم، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۴، صص ۲۸-۱

اقتدار حاکمیت یکسان تلقی شود. همین موضوع نهایتاً منجر به تضعیف حاکمیت قانون در راستای تحقق نظم و امنیت داخلی می‌شود؛ از همین جاست که لزوم تحقق عدالت انتقالی ضرورت پیدا می‌نماید. (Delbrueck, 1987:263-264)

این عدالت با هدف اطمینان از اجرای صحیح تعهدات حقوق بشری و قواعد حقوق بشر دوستانه در داخل جامعه در حال انتقال قابلیت اجرایی خواهد داشت. بنابراین، در روند اجرایی آن، تعقیب کیفری اشخاص مسئول و حمایت از قربانیان با تمسک به قواعد بین‌المللی حقوق بشر ضروری به نظر می‌رسد. اذعان حقیقت یعنی محاکمه و اعلان جرایم ارتكابی مجرمین و همچنین مجازات آنها از دیگر ویژگی‌های بارز عدالت انتقالی است که در درون خود عدالت کیفری^۱، ترمیمی^۲ و حتی عدالت اجتماعی^۳ را به همراه دارد.

ایجاد اصلاحات مبتنی بر دموکراسی و به طور کلی تحقق صلح پایدار^۴ در جامعه در حال انتقال که در حال گذار از انواع نقض جدی حقوق بشری است؛ از مهمترین دستاوردها و دلایل موجودیت عدالت انتقالی بشمار می‌رود. شاید بتوان گفت پیدایش چنین مفهومی از عدالت مدیون سیاست پیکار با بی‌کیفری است که چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی مورد توجه واقع شده است. (Ten, 1987: 5)

ایجاد آشتی ملی و وحدت پس از مخاصمه و همچنین بوجود آوردن یک دولت دموکراسی محور که مبنای آن مبتنی بر اصول حاکم بر حقوق بشر است، از دیگر تحولات حاکم بر روابط بین‌الملل و نظام حقوق بین‌الملل نوین محسوب می‌گردد؛ که در سایه تحقق چنین عدالتی در جامعه بین‌المللی حاصل گردیده است. بنابراین، رعایت حقوق بنیادی و ذاتی انسان که معطوف به کرامت و حیثیت بشر می‌باشد که از آن نیز در نظام حقوق بین‌الملل بعنوان حقوق غیر قابل سلب یاد می‌شود؛ بایستی در جامعه در حال گذار مورد احترام قرار گیرد و تحت هیچ شرایطی جواز عدول از آنها صادر نگردد. حقوقی که بر کرامت و منزلت انسانی استوار بوده و صرفاً از این جهت به بشر تعلق می‌گیرد که بشری است و زمان و مکان

1 - Retribution.

2 - Restoration.

3 - Social justice.

4- Sustainable Peace.

و قیدی را بر نمی‌تابد. (ندوشن، ۱۳۷۲: ۱۵) به عبارت دیگر، با وجود اینکه دولت‌ها هستند که وضعیت تهدید کننده نظم عمومی خود را شناسایی می‌کنند و برای اعاده وضعیت عادی و استقرار نظم به اقدامات مقتضی مبادرت می‌ورزند؛ لکن رفتار آنها نیز بایستی در قالب نظامات حقوقی از حیث رعایت مقررات کنترل گردد. به رغم این مهم، امروزه در جوامع در حال انتقال، دولت‌ها مجاز نیستند فارغ از برخی قواعد بنیادی موسوم به تعهدات عام‌الشمول^۱ یا تعهدات دولت‌ها نسبت به جامعه بین‌المللی اقدام نمایند. (Questiaux, 1982:8)

امنیت و صلح پایدار، عدالت و آشتی مولفه‌هایی هستند که با اتمام کشمکش‌ها در جامعه در حال گذار با روی کار آمدن یک دولت انتقالی مورد انتظار است. امروزه آشتی بعنوان یک عنصر از مفهوم عدالت انتقالی بشمار آمده که ریشه در آیین حل اختلاف آفریقایی برای قرن‌ها داشته است. در این مولفه، هدف اصلی از اجرای قانون، بازگرداندن تعادل و فراهم نمودن زمینه امنیت و صلح به جای مجازات^۲ است. ساختار درونی هر جامعه‌ی در حال گذار به منظور تعیین دقیق مفهوم آشتی در زمان وقوع دوره انتقالی و پس از آن در روند آتی کشور بایستی به دقت مورد ارزیابی قرار گیرد، چرا که هدف از آن بعنوان اصلی‌ترین عنصر عدالت انتقالی؛ جلوگیری از نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه‌ای است که در مرحله ماقبل گذار به صورت جدی مورد نقض واقع شده است. (Sarkin and Daly, 2004:101-104) بنابراین، آنچه که در این ارزیابی دارای اهمیت است؛ لزوم توجه به موضوعاتی از قبیل اوضاع وخیم گذشته، حقیقت، عدالت و نهایتاً دموکراسی است که در زمان گذار باید از سوی دولت انتقالی مدنظر گرفته شوند. البته در این راستا نباید از نقش سازمان‌های بین‌المللی بویژه سازمان ملل متحد و حتی سایر سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی (مردم نهاد) و دیگر دولت‌ها خاصاً کشورهای همسایه در ارائه خط مشی‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌های که در حل مسئله و بهبود اوضاع نابسامان جامعه در حال گذار موثر واقع می‌گردند، غافل شد. (Ibid, 168) در چنین جوامعی صلح و عدالت در طول هم قرار می‌گیرند و به عنوان یک مکمل در جامعه ایفای نقش می‌نمایند. (ذاکریان، ۱۳۸۹: ۳۸۵-۳۹۰)

1 - Erga Omnes.

2 - Punishment.

با توجه به اینکه بهار عربی در اواخر سال ۲۰۱۰ م. از کشور تونس آغاز گردید، ولیکن به سرعت سراسر خاورمیانه به ویژه کشور مصر را فرا گرفت. با وجود اینکه تنها کشور مصر نبود که تحت تاثیر چنین بهاری قرار گرفته بود، قیام‌های مردمی در کشورهای همچون لیبی، بحرین، تونس و امروز در یمن علیه حکومت‌های استبدادگر خویش تعجب جامعه بین‌المللی را به خود برانگیخت. به طوری که بحران هر کدام یک از آنها، بویژه مصر در رسانه‌های داخلی و بین‌المللی به یک مسئله روز تبدیل گردید. قیام‌های مردمی در مصر که نهایتاً منجر به وقوع یک انقلاب داخلی در آنجا شد، معلول خشونت، نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در زمان قیام و همچنین عدم مشروعیت مقامات مستبد وقت در آن جامعه می‌باشد. تونس و مصر هر دو در تحقق انقلاب در درون جامعه‌شان موفق بودند، به طوری که با ایجاد فشار از سوی مردم، مقامات مستبدشان مجبور به دادن استعفا گردیدند. کشور تونس با تدوین قانون اساسی جدید به بررسی فساد در گذشته و تعرضاتی که در جریان تظاهرات مردمی رخ داده بود، روی آورد و کشور مصر نیز در اثر عدالت انتقالی در آنجا به محاکمه رئیس‌جمهور مخلوع یعنی آقای حسنی مبارک و سایر مقامات ارشد رژیم گذشته روی آورد. (Perish and Shook and Brahm, 2012:5-6)

از آنجائیکه امروزه بهار عربی مرده است و بسیاری از انقلاب‌ها نیز به پایان رسیده، این امر سبب کم‌رنگ شدن توجهات جامعه بین‌المللی و تمرکز رسانه‌ها در یک زمان بحرانی برای عدالت انتقالی در تونس، مصر و بحرین بوده است. گذشته از علاقه به تحولات در محاکمه حسنی مبارک، توجه بین‌المللی نسبت به عدالت انتقالی به حداقل رسیده است، ولیکن سوء استفاده‌های گسترده در جامعه دارای کشمکش مصر، بی‌اعتمادی میان گروه‌ها و حتی در میان نهادهای دولت و از همه مهمتر عدم دستیابی به امنیت و توسعه اهداف صلح جویانه؛ مسائلی هستند که در حوزه تضعیف حاکمیت قانون در کشور مصر موثر بوده و در نهایت، آن کشور را به دوره‌ای از خشونت در اشکال مختلف باز گردانده است.

مقاله حاضر به دنبال بررسی ابعاد عدالت انتقالی و چالش‌های ناظر بر آن در اجرای تعهدات حقوق بشری با مطالعه موردی کشور مصر است. اینکه چرا پروسه عدالت انتقالی در مصر موفقیت‌آمیز نبوده است؟ پرسش کلیدی است که در این پژوهش بدان پرداخته

می‌شود. برای پاسخ به این پرسش، باید چالش‌های ناظر بر عدالت انتقالی در نظام بین‌المللی مورد مطالعه قرار گیرد. به همین منظور، این پژوهش در سه بخش تدوین گردیده است؛ مبحث نخست، به بررسی مفهوم عدالت انتقالی، تشابه و تفاوت آن با سایر مفاهیم مرتبط می‌پردازد که به صراحت بر تلاش‌های جوامع در حال گذار در راستای پشتیبانی و ایجاد شرایط مناسب جهت مشارکت داوطلبانه مردمی و ارتباط میان آنها که تحت تاثیر چنین عدالتی قرار گرفته‌اند، دلالت دارد. در مبحث دوم به بیان ارتباط عدالت انتقالی با حقوق بشر و حقوق بشردوستانه پرداخته می‌شود تا به مدد نمایش رجحان کرامت انسانی و غالبیت حقوق بشر بر ملاحظات سیاسی، سازگاری عدالت انتقالی با نظام بین‌الملل حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه نشان داده شود. نهایتاً در مبحث سوم با توجه به منابع حقوق بین‌الملل، وضعیت حاضر و راهکارهای ترویج آشتی و صلح پایدار در راستای از بین بردن چالش‌های مذکور در اجرای تعهدات حقوق بشری در دولت انتقالی مصر تبیین می‌گردد. فرضیه این پژوهش این است که حمایت از فرهنگ معافیت و دادن مصونیت کیفری به مقامات استبدادگر تا هر زمان ادامه داشته باشد؛ علاوه بر اینکه ما را از حرکت به سوی امنیت و صلح پایدار مانع خواهد گردید، بلکه شعله‌های واقعیت تلخ مخاصمه مسلحانه را چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی افزون خواهد نمود. از این رو عدالت انتقالی با پیدایش نهادهای بین‌المللی همچون دیوان بین‌المللی کیفری و شورای حقوق بشر در حال طی نمودن روند جهانی است. عدالت، بنیاد اصلی هر حرکتی به سوی صلح در مصر را تشکیل خواهد داد و دوباره حیات این ملت را در دستان ستمکاران قرار نخواهد داد. اجرای عدالت، حاکمیت قانون در مصر را تقویت خواهد بخشید. و این مهم جزء از طریق تقویت نهادهای قضایی، پلیس ملی و سایر نهادهای دولتی و محلی در سراسر مصر امکان پذیر نخواهد شد.

۱- عدالت انتقالی : عدالت محوری حقوق بین‌الملل، تشابه و تفاوت آن با

سایر مفاهیم مربوطه

۱-۱. تعریف عدالت انتقالی

عدالت انتقالی نوع خاصی از عدالت است که دستیابی به آن صرفاً در جوامع در حال انتقال از مخاصمه یا سرکوب امکانپذیر است. اهمیت چنین عدالتی زمانیست که از دیدگاه

آن در راستای التیام بخشی به حقوق نقض شده قربانیان کلیه تعهدات مربوط به مسئولیت دولت هدف و جبران خسارات وارده به قربانیان به رسمیت شناخته شده است. مهمترین دستاورد ناشی از اجرای عدالت انتقالی، استحکام بخشی به اعتماد مدنی و توسعه یک دولت کاملاً دموکراتیک در سایه قانون است. بنابراین، زمینه اجرایی عدالت انتقالی در صورت وقوع نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر در دولت مسئول آغاز خواهد گردید. با توجه به وصف نقض سیستماتیک حقوق بشر که مرتبط با نقض تعهدات ناشی از جامعه بین‌المللی در کل است، باید اذعان کرد که در چنین شرایطی هیچ خللی نه تنها به حقوق قربانیانی که مستقیماً متاثر از چنین نقضی می‌باشند؛ وارد نمی‌شود بلکه کلیه دولت‌ها باید در راستای تضمین رعایت این تعهدات بین‌المللی خود را از هیچ تلاشی مضایقه نمایند تا جهان دیگر؛ شاهد اینچنین رویدادهای تلخی نباشد.^۱ احترام به کرامت انسانی، تضمین رعایت تعهدات حقوق بشری و احترام متقابل از جمله مصادیقی بشمار می‌آیند که در حوزه اجرایی عدالت انتقالی مدخلیت یافته است.

بنابراین، مهمترین زیربنای اصل عدالت انتقالی؛ آزادی افراد انسانی در اداره امور خصوصی‌شان خواهد بود، چرا که اساس چنین عدالتی مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی و دموکراسی است. (ذاکریان و عمادی، ۱۳۹۲: ۲۲۴-۲۲۵) سازمان ملل متحد از یک سبقه طولانی در راستای کمک و مساعدت برای جوامع ویران شده بوسیله مخاصمات مسلحانه یا در حال ظهور از یک دولت سرکوبگر به برقراری حاکمیت قانون و حرکت به سوی جامعه‌های کاملاً دموکراتیک برخوردار است. از آنجایی که سازمان ملل متحد دارای سیاست انتقاد گرایانه نسبت به حصول توافقی راجع به صلح ناشی از عفو برای جرایمی همچون ژنوسید، جرایم علیه بشریت، جنایات جنگی، نقض جدی حقوق بشر و قواعد حقوق بشردوستانه است؛ به همین منظور هیچ مساعدتی برای رهایی عاملان چنین جنایاتی در دادگاه‌هایی که برای محاکمه آنان تشکیل شده است، نخواهد نمود. اصول حاکم بر عدالت انتقالی منحصر به فرد و قابل اجراء در حوزه‌های خاص اجتماعی است (Paust, 2013: 3-4)

نهادهای متزلزل شده، عدم امنیت و وجود افراد انسانی مضطرب عواملی هستند که در

رشد حرکت جامعه‌ی در حال انتقال تاثیرگذار خواهند بود.^۱ نقض حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین شناسایی طبقات تبعیض و آسیب پذیر از جمله اقلیت‌ها، زنان و کودکان از مواردی بشمار می‌آیند که زمینه اصلی اجرای عدالت انتقالی را فراهم می‌نماید. البته در اجرای این عدالت نیاستی از غایت ذاتی آن که منتج به حکومت قانون و برقراری نظم مبتنی بر دموکراسی است که آن هم ضامن بقای صلح پایدار و ارتقای همزیستی مسالمت‌آمیز است، غفلت نمود. (ذاکریان، ۱۳۹۳: ۵۲-۵۳)

۱-۱-۱ - عدالت انتقالی به عنوان مفهوم حقوقی یا فرا حقوقی و یا مغایر حقوق

از آنجایی که در طول تاریخ معرفت بشری عدالت به عنوان ارزشی مطلوب مورد توجه قرار گرفته است، به نظر می‌رسد مفهوم عدالت مفهومی متنازع فیه باشد. در واقع اختلاف نظرها زمانی شروع می‌شود که نظریه خاصی از عدالت بیان گردد؛ چرا که تبیین هر مفهومی از عدالت در حقیقت، گونه‌ای از نظریه عدالت است. در زمینه‌های متعددی از عملکردها و مناسبات اجتماعی می‌توان از نظریات عدالت استفاده کرد؛ چرا که تنوع در این زمینه‌ها مفاهیم متعددی از عدالت را مطرح نموده است. توقف نقض تعهدات حقوق بشری و برخورد با مجرمین و مجازات آنها، جبران خسارات وارده بر زیان‌دیده‌ها نمونه‌هایی از حوزه‌های زندگی انسانی هستند که با موضوع عدالت انتقالی در ارتباط قرار می‌گیرند.

تشریح مفهوم عدالت باید همراه با ملاحظه روابط متعدد انسانی صورت گیرد، چرا که عدالت دارای مفهومی زمینه محور^۲ است. از میان مفاهیم متعدد عدالت آنچه که پیوند بیشتری با حقوق بشر و حقوق بشردوستانه داراست، عدالت انتقالی است. دغدغه‌های اصلی در حوزه عدالت انتقالی ایجاد امنیت و صلح پایدار است؛ که پس از خاتمه دادن به خشونت و کشمکش‌های غیر بین‌المللی؛ جامعه را به سوی آشتی و ثبات هدایت می‌نماید. بنابراین، امروزه میزان گستردگی اجرایی عدالت انتقالی صرفاً محدود به محاکمه و مجازات مقامات استبدادگر نیست، بلکه تامین صلح و حرکت به سوی دموکراسی در جوامع

1- <http://www.unrol.org>

2- Context-dependent.

پساکشمکش را شامل می‌گردد. با وجود اینکه عدالت انتقالی بیشترین کاربرد را در سیاست و اخلاق دارد و معنی آن نیز در طی زمان با تفاوت‌های بسیاری روبرو بوده است؛ لذا روند اجرایی امروزی عدالت انتقالی با تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی^۱ شکلی حقوقی و الزامی به خود گرفته است. (Aust, 2006: 425-426)

اصولاً در جوامع دارای کشمکش، هیجانات ناشی از تغییر حکومت در مراحل انتقالی موجودیت پیدا می‌کند، البته در این گونه موارد باید مراقب بود که چنین هیجاناتی منجر به نقض حقوق افراد انسانی نگردد؛ مانند آنچه که در داخل مصر رخ داد. علاوه بر این، از آنجائیکه محاکمه و مجازات اشخاص در مظان اتهام باید بر پایه حقایق و مستندات باشد، همین امر دلیل محکمی بر مفهوم حقوقی عدالت انتقالی خواهد بود؛ چرا که قبل از این که جنایات ارتكابی محرز شوند و یا عاملان و قربانیان این جنایات مشخص شوند؛ نمی‌توان بر اساس حدسیات قضاوت نمود. داشتن آینده‌ای مطمئن متضمن رعایت قواعد بنیادین حقوق بشری است که آن هم پیامد بینش افراد انسانی از عدالت انتقالی در قبال جلوگیری از گسترده‌گی سوء استفاده‌های ضد بشری است.

اگر هدف از اجرای عدالت انتقالی را کمک به نابودی و ریشه کن نمودن چنین سوء استفاده‌گی‌ها از عدالت کیفری و برقراری عدالت اجتماعی که نتیجه این انتقال می‌باشد بدانیم، بایستی بر حقوقی بودن عدالت انتقالی اقرار نماییم. بر اساس چنین نگاهی است که موضوع تحقق مسئولیت برای جرایم ارتكابی انجام شده در گذشته و اشاره بر اینکه چنین اعمال مجرمانه‌ای نباید در آتیه بدانها ارتكاب یافت در حقیقت به این ادعا صحه می‌گذارد. (ذاکریان، ۱۳۹۲: ۷۵-۷۶)

۲-۱- عدالت محوری حقوق بین‌الملل

۱-۲-۱- عدالت انتقالی به عنوان مسئولیت مشترک (مسئولیت پذیری)

امروزه منع خشونت، جلوگیری از نقض حقوق بشر و ترویج دموکراسی در جوامع مبتنی بر دیکتاتوری اموری هستند که دغدغه مشترک و چه بسا مسئولیت مشترک همگان

1- International Criminal Court.

محسوب می‌شود. علیرغم اینکه حاکمیت دولت‌ها یکی از اصول اساسی نظام حقوق بین‌المللی است و این امر در ماده ۲ (۱) و (۴)^۱ منشور ملل متحد مورد پذیرش قرار گرفته است؛ دلالت بر این واقعیت است که بعد خارجی حاکمیت دولت، استقلال دولت را حفظ خواهد نمود و آن را از مداخله سایر دولت‌ها در امور داخلی یا رخدادهای داخل سرزمین خویش مصون نگه خواهد داشت. بنابراین، دستور کار عدالت انتقالی در وهله نخست شامل موضوعات متعددی می‌باشد که به لحاظ سنتی، داخل در محدوده امور داخلی دولت‌هاست. البته مسئولیت مشترک برای تحقق عدالت انتقالی، متضمن این معناست که مداخله خارجی در ارتباط با چنین اموری ممکن است گاهی اوقات خواسته شود. لذا هنگامی که قواعد حقوق بشر یا حقوق بشردوستانه در کشمکش‌های غیر بین‌المللی در داخل قلمروی یک دولت به مخاطره می‌افتد، دولت‌های دیگر ممکن است خود را مکلف به مداخله ببینند؛ خواه به این دلیل که افراد انسانی قربانی نقض، برایشان اهمیت دارند و خواه به این دلیل که از آثار فرامرزی آن نقضها بیم دارند و حتی خواه به هر دو دلیل ممکن است دست به اقداماتی در قالب مسئولیت حمایت^۲ زنند.

از آنجائیکه حقوق افراد انسانی یا بعبارت دیگر حقوق بشری ویژگی فرامرزی دارند؛ عدالت انتقالی در جوامع در حال انتقال به عنوان یک دغدغه مشترک بحساب می‌آید؛ به طوری که امنیت متقابل بدون تلاش‌های مشترک به صورت کامل برقرار نخواهد شد. (Gasper, 2005:224-225) تحقق حقوق بشر و رعایت قواعد بنیادین آن نمی‌تواند توسط یک دولت منزوی عملی گردد. رهیافت عدالت انتقالی در قالب مسئولیت پذیری با اشاره به این نکته که رعایت تعهدات ناشی از قواعد آمره و جامعه بین‌المللی در کل الزامی است؛ بر همین منوط پایه‌ریزی شده است.

البته در ارتباط با دیدگاه‌های که در رابطه با جهانی شدن وجود دارد؛ از جمله گستره تهدیدات نسبت به حقوق شهروندان و آثار جهانی نقض تعهدات حقوق بشری موجب

۱- ماده ۲(۱): سازمان بر مبنای اصل تساوی حاکمیت کلیه اعضاء آن قرار دارد.

ماده ۲(۴): کلیه اعضاء در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مبیانت داشته باشد خودداری خواهند نمود.

2 - Responsibility to protect.

عطف توجه به مفهوم عدالت انتقالی به عنوان یک مسئولیت مشترک شده است. این دیدگاه‌ها همچنین با تاکید بر وابستگی متقابل و نیاز به همکاری بر نحوی استفاده از این مفهوم در گفتمان‌های فعلی جامعه بین‌الملل اثر گذار شده‌اند.

امروزه با وجود اینکه نظام حقوق بین‌الملل، تفکیک مسئولیت‌ها را بر مبنای سرزمین^۱ و تابعیت^۲ بر عهده خود حاکمیت‌ها گذاشته است؛ لکن مسئولیت پذیری سایر دولت‌ها با حاکمیت داخلی دولت و اصل عدم مداخله در تعارض قرار نمی‌گیرد. اصل عدم مداخله متضمن حق هر دولت حاکم برای انجام امور خویش بدون دخالت دولت خارجی است و تجلی یک نظام حقوقی دولت محور است که این حق در قواعد عرفی بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است و حتی در اصول مقرر منشور ملل متحد جای گرفته و در اعلامیه ۱۹۷۰ راجع به روابط دوستانه مجدداً تکرار شده است.^۳

به نظر می‌رسد که اصل عدم مداخله مانعی بر سر تلاش برای ارتقای امنیت شهروندان جوامع دارای کشمکش تلقی گردد، اما تعارضی با اندیشه عدالت انتقالی نخواهد داشت. احترام به حاکمیت و اصل عدم مداخله مطلق نبوده و با تحولات نظام حقوق بین‌الملل محدوده‌ی آنها تعریف می‌شود. با توسعه حقوق بین‌الملل حوزه صلاحیت داخلی دولت‌ها و اعمال اقدامات دسته جمعی در قالب مداخله دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی که از سوی دولت‌ها اقدام می‌نمایند؛ در راستای برقراری عدالت در جامعه‌ی دارای خشونت معین می‌گردد. (Bird, 2011:887)

مسئولیت‌پذیری دولت‌ها را می‌توان در اهداف سازمان ملل متحد نیز جستجو کرد، به طوری که در بند ۳ ماده ۱ منشور ملل متحد به مشارکت بین‌المللی دولت‌ها در زمینه حل و فصل مشکلات بین‌المللی که واجد شرایط بشردوستانه و اجتماعی بودن است، پرداخته شده است. پس یکی از تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در جامعه بین‌الملل، تعهد به همکاری^۴

1 - Territory.

2 - Nationality.

3- UNGA, Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Cooperation among States in accordance with the Charter of the United Nations, 24 October 1970, A/RES/2625(XXV), available at: <http://www.refworld.org/docid/3dda1f104>.

4 - Duty to Cooperate.

قطع نظر از اختلافاتی که در نظام‌های سیاسی، اجتماعی و یا اقتصادی خود دارند، می‌باشد. این قبیل مشارکت‌ها در عرصه‌های گوناگون روابط بین‌الملل وجود داشته و دارند؛ به طوری که هدف از آنها حفظ صلح، رفاه کلی ملل متمدن و تحقق امنیت افراد انسانی در جامعه بین‌المللی می‌باشد. در تعهدات حقوق بشری همچون ممنوعیت تجاوز و یا نسل‌کشی، حق تعیین سرنوشت و رعایت حقوق بنیادین بشری به علت اهمیت حقوق مورد بحث، کلیه دولت‌ها در حمایت از آنها ذینفع دانسته شده‌اند. به همین منظور، اگر دولت خودکامه‌ای دست به اعمال غیر بشردوستانه‌ای جهت سرکوب حقوق شهروندان خود زند، دولت‌های دیگر در راستای توقف و عدم تکرار نقض‌های ارتكابی بایستی در قالب دولت‌های ثالث به مداخله بشردوستانه که از حقوق و تکالیف خویش برای حمایت از قربانیان نقض بشمار می‌آید، مبادرت نمایند. در این راستا علیرغم تحقق مبنای عدالت انتقالی که همان نقض حقوق بشر و قواعد حقوق بشردوستانه است، حتی می‌توان به حق استناد به مسئولیت^۱ مسئول از سوی اشخاص ذینفع اشاره کرد. (Laurd, 1995:350)

بموجب طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت دولت‌ها، در صورتی که یکی از قواعد برتر مرتبط با حقوق بشر به طور جدی نقض شود، سایر دولت‌ها مکلف خواهند بود که برای خاتمه دادن به آن نقض از روش‌های مشروع؛ با یکدیگر مشارکت داشته باشند و نیز دارای تکلیفی مبنی بر عدم شناسایی وضعیتی که منجر به آن نقض شده و همچنین تعهد به عدم مساعدت در راستای بقای آن وضعیت خواهند داشت.^۲

اصطلاح مداخله بشردوستانه در حوزه عدالت انتقالی به خودی خود بحث برانگیز است، چرا که عموماً در معنای استفاده از زور در یک دولت (دولت مسئول) بدون رضایت آن دولت بکار گرفته می‌شود. مسئولیت حمایت که در واقع بیانگر مسئولیت‌پذیری دولت‌های غیر از دولت هدف در حوزه مسئولیت بین‌المللی دولت‌هاست، زمانی دارای وجاهت قانونی

1 - Right to Invoke Responsibility.

2- International Law Commission, Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, art 40. According to Para 2 of this article, 'A breach of such an obligation is serious if it involves a gross or systematic failure by the responsible State to fulfill the obligation'.

است که همراه با اهداف بشردوستانه باشد. بعبارت دقیق‌تر هدف از آن پیشگیری یا متوقف نمودن نقض حقوق بشر - خصوصاً تهدید نسبت به حیات و یا امنیت فیزیکی شهروندانی که در جامعه‌ی کشمکش مورد آزار قرار گرفته‌اند - است. (Chester man, 2001:35-36)

مسئله‌ای که اکنون مطرح می‌شود، آنست که چگونه مداخله بشردوستانه می‌تواند در راستای عدالت انتقالی قانونی تلقی گردد در حالی که موضوع چنین عدالتی در ارتباط با دولت هدف و افراد قربانی نقض یا بعبارتی مربوط به حاکمیت داخلی دولت‌ها است؟ در پاسخ به این سوال باید اذعان نمود که موضوع مداخله بشردوستانه مربوط به حوزه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها است که غالباً در قالب اقدامات دسته جمعی قهریه همچون مداخله نظامی و یا اعمال غیر قهری مانند اقدامات متقابل^۱ از سوی دولت‌های ثالث علیه دولت مسئول اعمال می‌گردد. همانطوری که اشاره شد، حمایت از حقوق بشر و حقوق بشردوستانه وسیله‌ای برای تضمین عدالت انتقالی می‌باشد و از طرفی زمانی که در حاکمیت داخلی جامعه‌ای خشونت و نقض فاحش تعهدات قواعد برتر مربوط به حقوق بشر رخ می‌دهد؛ اینجاست که موضوع مداخله بشردوستانه جهت توقف و عدم تکرار یا حتی جبران خسارات وارده به قربانیان جرایم ارتكابی و از آن فراتر نیز محاکمه اشخاص و مقاماتی که قبلاً از مصونیت اعمال ارتكابی خویش برخوردار بودند؛ در دادگاه داخلی یا دیوان بین‌المللی کیفری مطرح می‌گردد. (Benvenuti, 2014:120-121) بنابراین، اصولاً به طور مطلق یک رابطه دو سویه میان مسئولیت حمایت و تحقق عدالت انتقالی در راستای عدم انحراف آن از مسیر خود در جوامع در حال انتقال وجود نخواهد داشت. البته ناگفته نماند که حق مداخله بشردوستانه حتی در زمان اجراء تنها در موارد خاصی آن هم با رعایت شرایطی که در منشور ملل متحد و دیگر اسناد بین‌المللی مرتبط آمده است، تحقق خواهد یافت.^۲

بنابراین، با توجه به تحول مهمی که امروزه در زمینه حقوق بین‌الملل بوجود آمده، می‌توان

1 - Counter Measures

۲- آستانه مداخله بشردوستانه یا مسئولیت حمایت را می‌توان بر اساس تهدیدات انجام شده ارزیابی نمود. تجویز چنین مداخلاتی علیه دولت هدف زمانی مشروعیت خواهد داشت که نقض‌های گسترده و یا سیستماتیک حقوق بشر ارتكاب یافته شود که هم جدی باشند و هم غیر قابل جبران و اعمال اقدامات در نظر گرفته شده در قبال تهدیدات فوری و اضطراری دولت مسئول باشند.

اذعان کرد که تقدم حقوق بشر بر حاکمیت دولت‌ها سبب گردیده انجام اقداماتی در شکل مسئولیت حمایت و جاهت قانونی پیدا نماید. انسان محوری در حوزه حقوق بشر و به طریق اولی نظام حقوق بین‌الملل که پیامد مستقیم عدالت محوری این نظام است؛ دلیلی قاطع در راستای حمایت از این ادعاست که مداخلات بشردوستانه استثنایی غیر مدون بر ممنوعیت مقرر در ماده ۲ (۴) منشور ملل متحد است. (Teson, 2001:4-5)

همچنین ملاحظه می‌شود که بر اساس ماده ۴۱ (۱) طرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، دولت‌ها مکلفند با توسل راهکارهای حقوقی برای پایان بخشیدن به نقض جدی قواعد بنیادین حقوقی با همدیگر همکاری نمایند. با وجود اینکه در این بند به جزئیات نوع چنین همکاری اشاره‌ای نشده، لکن همکاری می‌تواند در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی انجام گیرد و در عین حال امکان همکاری‌های غیر نهادین نیز مهیا گردیده است. کمیسیون حقوق بین‌الملل به طور روشن اعلام نموده است که تعهد به همکاری فارغ از اینکه دولت‌ها شخصاً از یک نقض جدی متضرر شده باشند یا خیر، اعمال خواهد گردید. (Bird, Opcit: 886-888) در جامعه بین‌المللی، یک تعهد کلی جهت تضمین حقوق بشر در جوامع مختلف موجودیت یافته که مشارکت کلیه دولت‌ها را نسبت به اجرای اسناد حقوق بشری و لزوم همکاری با یکدیگر چارچوب منشور ملل متحد الزامی نموده است.

۱-۲-۲- عدالت انتقالی و توسعه قواعد حقوقی

هر جامعه‌ای اعم از بزرگ یا کوچک، قدرتمند و یا ضعیف بایستی در چارچوب قواعد حقوقی که برای توسعه آن جامعه تنظیم شده است، حرکت نماید. رفتارهای مجاز یا ممنوع همه برگرفته از اصول حاکم بر توسعه قواعد مذکور است. از آنجائیکه هدف نهایی تدوین قواعد حقوقی تامین امنیت انسانی است؛ لذا کلیه دولت‌ها در جامعه بین‌الملل مکلفند که پیرامون رفتار خود با یکدیگر و حتی با اتباع خویش از تعهدات ناشی از این قواعد حقوقی که غالباً قواعد برتر نیز محسوب می‌شوند، تبعیت نمایند. شاید بتوان آغاز مدرن توسعه قواعد حقوقی را با ظهور دولت‌های ملی در قرون وسطی جستجو کرد، دوره‌ای که در

ارتباط با مسائل دیپلماتیک و تجارت دریایی برای دولت‌ها دستاوردهای بسزایی داشته است.^۱ البته نباید نادیده انگاشت که رشد قواعد حقوق بین‌الملل تا حدود زیادی از طریق حقوق معاهدات بین‌المللی رخ داده است، در بطن برخی از این معاهدات به طیف گسترده‌ای از مسائل مرتبط با نگرانی‌های بین‌المللی همچون حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، خلع سلاح، جنایت علیه بشریت به طور مبسوط اشاره شده است.^۲

آنچه که نظام مبتنی بر دموکراسی را از نظام‌های طبیعی جدا می‌کند، وجود تعامل قواعد حقوقی با وقایع اجتماعی در این گونه جوامع است. نظام بین‌المللی حقوق بشر همواره با محیط داخلی و بیرونی خود در تعامل بوده و سعی در ایجاد تعادل میان اجزاء خود جهت پاسخگویی به نیازهای زمان می‌باشد. تبدیل تعهدات حقوق بشری به قواعد آمره در جامعه بین‌المللی نوین دست مایه ثبات و توسعه قواعد حقوقی است. بنابراین، استعداد تطبیق این گونه قواعد با وقایع اجتماعی سبب شده است که رهایی از ستم و سلطه قدرت استبدادی برای شهروندان جامعه مبتنی بر دیکتاتوری فراهم آید. امروزه هسته اصلی نظم عمومی بین‌المللی رعایت تعهدات حقوق بشری است، چرا که این قواعد لازمه نظام حقوق بین‌المللی می‌باشند و با فرض عدم آنها شکل‌گیری نظام حقوقی غیر ممکن خواهد بود. (ذاکریان، ۱۳۸۸: ۱۱۶-۱۲۱)

جامعه مدنی جامعه‌ای است که از گروه‌های مستقل و داوطلبانه که با هدف پیشبرد منافع، علائق و سلیقه‌های افراد عضو بوجود آمده است. این مجموعه نهادها، انجمن‌ها و تشکل‌های اجتماعی که وابسته به دولت حاکمه نیستند، ولیکن نقش تعیین کننده در قوام جامعه و پیشگیری از خشونت علیه افراد انسانی از سوی دولت حکمران دارند. رابطه توسعه قواعد حقوقی و عدالت انتقالی را می‌توان در بحث جامعه در حال انتقال چنین مطرح کرد که توسعه چنین قواعدی سبب انسان‌گرایی یعنی استیفای حقوق انسانی صرف نظر از نژاد، رنگ، شان و موقعیت اجتماعی انسان‌ها در جامعه در حال گذار یا انتقال می‌شود و دولت‌های که در چنین جوامعی بر سر کار می‌آیند بایستی مبتنی بر قانون، اصل تفکیک قوا و ایجاد یک پارلمان

1 - <http://www.infoplease.com>

2 - <http://www.un.org/en/globalissues/internationallaw>

عادلانه فعالیت‌های خود را شروع نمایند تا دموکراسی در جامعه دیکتاتوری زیر سایه عدالت انتقالی تحقق یابد. (بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۵۴-۱۵۶)

به همین منظور جامعه در حال انتقال زمانی مبتنی بر عدالت انتقالی است که آن جامعه پس از گذر از یک دوره خشونت و تبعیض بتواند اصول مرتبط با دموکراسی و احترام به حقوق بشر و مهمتر از همه به بحث حق و آزادی مشارکت همگانی و کثرت‌گرایی در معنای اختیار تک تک شهروندان به انتخاب و عضویت در هر یک از گروه‌بندی‌های که می‌خواهند درآیند، پایبند باشد. البته باید مواردی چون حاکمیت اکثریت و رعایت حقوق اقلیت، نظارت قوا بر یکدیگر جهت رسیدن به غایت نهایی عدالت انتقالی که همان حکمرانی مطلوب^۱ می‌باشد، به موارد مذکور ضمیمه نمود.

حکمرانی مطلوب از طریق سیاست‌گذاری‌های قابل پیش‌بینی، آشکار و روشن گرایانه به منصفانه ظهور خواهد رسید و در چنین شرایطی است که جامعه‌ی مدنی بوجود می‌آید که در آن همه به طور فعال در کلیه امور عمومی مشارکت نموده و تحت حکومت قانون هر کس در گرو رفتار ارتكابی خود مسئولیت پیدا خواهد کرد. (تاموشات، ۱۳۸۶: ۱۴۸) به هر حال مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی، حاکمیت قانون و مشارکت حداکثری را می‌توان از ویژگی‌های منحصر به فرد حکمرانی مطلوب ذکر کرد که همگی اینها جز با توسعه قواعد حقوقی بویژه حقوق بشری و تحقق صحیح عدالت انتقالی در جامعه گذار امکانپذیر نبوده و نخواهد بود، دانست.

۱-۳-۱- تشابه و تفاوت عدالت انتقالی با سایر مفاهیم مرتبط

۱-۳-۱-۱- عدالت انتقالی و عدالت حقوقی

مبنای عدالت حقوقی بی‌طرفی است. اساس بی‌طرفی اقتضای این را دارد که در مقام اجرای قواعد حقوقی، عوامل نامربوط و غیر دخیل تاثیرگذار نباشند. (سید فاطمی، ۱۳۹۰: ۹۷) بنابراین، افراد و گروه‌های مشمول یک قاعده حقوقی باید به گونه‌ای یکسان مشمول اجرای

آن باشند. قواعد حقوقی همواره به‌سوی عدالت گرایش دارند و در درون هر قاعده حقوقی، جوهر عدالت به‌چشم می‌خورد. البته چنین عدالتی صوری است، اما دست‌کم صورت عدالت در هر قاعده‌ای دیده می‌شود. در هر حال، عدالت یکی از شروط سعادت اجتماعی است و تحقق آن روابط همراه با تفاهم و تعاون ثمربخش میان افراد جامعه سیاسی را به‌خوبی تنظیم می‌کند. پیوند مفهوم عدالت حقوقی با دو مولفه برابری و آزادی در حوزه حقوق بشر، اقتضای وجود نظام‌های قانون‌مداری را دارد که رسالت خود را تضمین حق‌ها و آزادی‌های اساسی شهروندان بدانند. پس مهمترین فاکتور برخورداری افراد جوامع بشری از چنین حقوقی صرفا انسان بودن آنهاست، چراکه انسان بما هو انسان شریف باید در نظر گرفته شود.

عدالت حقوقی در جامعه در حال انتقال بایستی بی‌طرفانه از حق همه افراد انسانی در برخورداری از حقوق و آزادی‌های بشری حمایت نماید. (سید فاطمی، ۱۳۹۰: ۹۹) از این نگاه است که عدالت حقوقی به معنای برابری افراد در مقابل قانون تلقی می‌گردد. هرگونه برخورد نابرابر در این زمینه در واقع نقض بی‌طرفی و در نتیجه نادیده گرفتن عدالت حقوقی خواهد بود.

بنابراین، مهمترین دستاورد عدالت حقوقی در جوامع انسانی بویژه در جوامع در حال انتقال؛ برابری در مقابل قانون است. از آنجائیکه دموکراسی به سازمان حکومت مربوط می‌شود و هدف از عدالت انتقالی تحقق دموکراسی در جامعه در حال انتقال است، لذا رعایت حقوق فردی و دفاع از آنها ارتباط بین عدالت حقوقی و انتقالی را تعیین می‌کند. (بتام، ۱۳۸۳: ۱۴۶) برابری افراد انسانی در مقابل یکدیگر حداقل شرایط ضروری تامین نوعی زندگی انسانی سالم است که این ممکن نمی‌شود مگر در سایه تحقق عدالت حقوقی.

دموکراسی هسته اصلی عدالت انتقالی است، چرا که هدف از آن حکومت مردم یا نظارت همگانی بر تصمیم‌گیری‌های جمعی است. نقطه شروع دموکراسی برابری شهروندان در مقابل قانون است و اینجاست که افراد جامعه در مورد موضوعات عمومی حق مشارکت پیدا می‌کنند و نظارت آنها بر موضوعات جمعی‌شان و برابری میان آنها در اعمال این نظارت، اصول اساسی دموکراسی را تشکیل می‌دهد. پس می‌توان نتیجه گرفت که نابرابری جامعه در حال انتقال را از اهداف خویش منحرف خواهد کرد، چرا که ناتوانی در حفاظت از حقوق

سیاسی و مدنی را در پی خواهد داشت. برای اینکه جلوگیری از این انحراف به عمل آید بایستی زمینه عدالت حقوقی در جامعه فراهم گردد.

۱-۳-۲- عدالت انتقالی و عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی رویکرد جامعی نسبت به منافع قربانیان، افراد مسئول است، این رویکرد جدید از عدالت انتقالی تحت وصف و نام واحدی توصیف نمی‌شود. اصطلاحات متعددی در سرتاسر جهان برای تبیین این رویکرد بکار می‌رود؛ نظیر: عدالت محلی، عدالت غیررسمی، عدالت سبز، عدالت عقلانی، عدالت التیام دهنده، عدالت انسانی و مردمی، عدالت پویا و... ولی شایع‌ترین عنوان همان عدالت ترمیمی است. (عباسی، ۱۳۸۲: ۲۵-۲۶)

در عدالت ترمیمی همه احاد اجتماع اعم از قربانیان و افراد مسئول به طور جمعی با پیامدهای آن برخورد می‌کنند. آنچه که در عدالت ترمیمی حائز اهمیت است، جبران خسارات وارده و یا غرامت است که مهمترین هدف آن را در کنار فیصله کشمکش‌های ریشه‌ای و جلوگیری از اعمال اشتباه در آینده تشکیل می‌دهد. (ذاکریان و عمادی، ۱۳۹۲: ۲۲۶-۲۲۷)

رویارویی قربانیان، افراد مسئول و اعضای متاثر اجتماع، روشی قابل توجه برای نشان دادن جنبه ارتباطی جرم و عدالت است. در این شیوه رضایت بزه دیده از دستگاه عدالت افزایش می‌یابد. در این عدالت نیازهای افراد در مواجهه با جنایات و حتی مخاصمات مسلحانه پاسخ داده می‌شود به طوری که زمینه یا فرصت برای آنانی که متاثر از زیان‌های وارده بوده‌اند، ایجاد می‌شود.^۱

چنین تلاش‌های عمدتاً در جهت پشتیبانی و امکان ایجاد فرصت‌های امن برای مشارکت داوطلبانه و ارتباط میان اشخاصی که تحت تاثیر چنین عدالتی قرار گرفته‌اند، انجام می‌گیرد. بنابراین وجوه مشترک آن با عدالت انتقالی در این است که در هر دو عدالت حمایت از قربانیان و مجازات مجرمین در اولویت قرار گرفته می‌شود؛ چرا که حرکت به سوی جامعه‌ای دموکراسی محور بدون احساس امنیت انسانی و همچنین بدون امید به مجازات

مرتکبین به جرم عملاً امکان‌پذیر نخواهد بود. درخواست غرامت و عذر خواهی از سوی افراد مسئول را می‌توان به عنوان انگیزه اصلی افراد قربانی در جوامع در حال انتقال دانست که در زمان تحقق عدالت انتقالی در جامعه دارای کشمکش باید مدنظر قرار گیرد.

۲- عدالت انتقالی، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه

۲-۱- عدالت انتقالی و جهانی شدن

به نظر می‌رسد عدالت انتقالی به عنوان یکی از عناصر نظام جهانی انسان محور اطلاق گردد. عدالت انتقالی همانگونه که نام آن نشان می‌دهد فراتر از همه چیز با این رهیافت انسان محور از سایر مفاهیم عدالتی متمایز گردیده است. حال سوال این است که چگونه احترام به حقوق بشر و بشردوستانه در عین حال که هسته اساسی عدالت انتقالی است، قدرت بیشتری به تحقق چنین عدالتی می‌دهد؟

عدالت انتقالی در واکنش به دیدگاه‌های رئالیستی توسعه یافته است. در این دیدگاه‌ها دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی نظام حقوق بین‌الملل معرفی می‌شوند و منافع آنها همان قدرت‌شان بشمار می‌آید بنابراین، در این مفهوم سنتی، نسبت به مفاهیم حقوق بشری بی‌تفاوتی احساس می‌گردد. این درحالی است که دولت‌ها بایستی شرایط لازم برای فعلیت یافتن حقوق بشر و دموکراسی را ایجاد نمایند. مفاهیم حقوق بشری بیانگر محدودیت‌هایی است که دولت‌ها بایستی در تعامل خود با افراد موجود در مرزهای خود آن را زیر پا گذارند. جهان شمولی حقوق بشر دربردارنده الگوهایی است که محدود سازی قدرت دولت‌ها را به همراه دارد. احترام به حقوق بشر همانگونه که در بخش قبلی بدان اشاره شده به ایجاد دموکراسی در جامعه در حال انتقال منجر خواهد شد و قدرت دولت نیز در ارسنای دموکراسی از طریق ایجاد اعتماد و همکاری در میان شهروندان تقویت خواهد گردید. (منشی پوری، انگه‌ارت، نانتان و فیلیپ، ۱۳۸۷: ۱۰۶-۱۰۸) واقعیت این است که عدالت نیز به مثابه حقوق بشر و بشردوستانه از ویژگی جهانشمولی برخوردار است، به طوری که در عرصه جهانی شدن عدالت، ایجاد جامعه مدنی حائز اهمیت بشمار می‌آید.

در یک جامعه مدنی است که دموکراسی جایگاه واقعی خود را پیدا می‌کند و در عین

حال امکان همکاری میان شهروندان و دولت فراهم می‌گردد. بنابراین، از آنجائیکه جهانشمولی حقوق بشر بر مبنای فضیلت انسانی بنا گردیده؛ با حقوق فردی دارای انطباق می‌باشد. پس می‌توان ادعا کرد که ستون فقرات یک نظام هنجاری و ارزشی را در هر جامعه-ای مفاهیم حقوق بشری تشکیل می‌دهند و رفتارهای اجتماعی و فردی در کلیه جوامع بر مبنای موازین و اصول حاکم بر حقوق بشری مورد سنجش قرار گرفته می‌شود. (سید فاطمی، ۱۳۹۰: ۱۷۹-۱۸۰)

جهانی بودن عدالت انتقالی نیز در حقیقت خود از دستاوردهای تمدن نوین بشری محسوب می‌شود. نمی‌توان ادعا نمود که استانداردهای حاکم بر عدالت انتقالی تعلق به یک جامعه خاص دارد، بلکه این استانداردها در واقع بیانگر حقوقی هستند که تمام جوامع انسانی بویژه جامعه در حال انتقال در فضای حمایتی آن می‌تواند به رشد و توسعه برسد. جهان شمولی عدالت انتقالی را می‌توان با توجه به پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر و پیمان نامه‌های بین‌المللی حقوق بشر که از منابع پایه‌ای و سرچشمه حقوق بشر محسوب می‌شوند؛ دریافت. (ذاکریان، ۱۳۸۹: ۱۱۸-۱۲۰)

بنابراین، جهان شمولی این اعلامیه و در پی آن احترام به پیمان نامه‌های حقوق بشری، که کانون اساسی حمایت از عدالت انتقالی است، می‌تواند قدرت بیشتری به اجرای چنین عدالتی دهد.

بر این اساس ضمن آنکه می‌توان به جهان شمولی هنجارهای حقوق بشری که حاصل رویکر اخلاقی حق مدار است، پایبند بود، همچنین می‌توان به گونه‌ای به جهانی بودن و فضیلت مداری عدالت انتقالی نیز پافشاری نمود؛ چرا که یکی از اهداف عالی عدالت انتقالی حرکت افراد انسانی در جامعه در حال انتقال به سمت وحدت در زندگی اجتماعی‌شان است و چنین امری تا زمانی که هنجارهای برتر حقوق بشری در آن جامعه بوجود نیاید، رخ نمی‌دهد.

۲-۱-۲- عدالت انتقالی و جامعه امن

جامعه امن با توجه به برنامه توسعه ملل متحد، بدنبال یک سری فعالیت‌های مربوط به امنیت انسانی، توسعه انسانی و پارادایم دولت سازی در سطح اجتماعی مطرح می‌شود.

تمرکز مطالعه در جامعه امن بر دو شاخص امنیت گروهی و شخصی پایه ریزی شده است. رهایی از ترس، هسته اصلی یک جامعه امن بشمار می‌آید.^۱ آزادی که به نوبه خود چنین رهایی را بدنبال دارد، در جامعه در حال انتقال بایستی میان شهروندان، نخبگان و همچنین اشخاص غیردولتی حاکم باشد. در چنین موقعیتی است که آن جامعه به یک جامعه مدنی تبدیل می‌شود که در آن جامعه در سایه عدالت انتقالی در مواقع برخورد با هرگونه جنایتی به صورت فوری برخورداری می‌گردد. در جامعه امن، فرد انسانی ذینفع اصلی و نهایی نظام حقوق بین‌الملل است. تمرکز بر افراد انسانی که از اجزای ذاتی جامعه امن است، خواستار توجه خاص به نیازها و منافع افراد است. (تیگر شتروم، ۱۳۸۹: ۸۵-۸۶)

در چنین جوامعی منافع و نیازهای افراد انسانی بر نیازهای دولت‌ها مقدم دانسته می‌شود. عدالت انتقالی که در یک جامعه مبتنی بر خشونت بوجود می‌آید بایستی طوری اجرایی شود که آن جامعه را به سوی یک جامعه امن هدایت نماید، به طوری که نظم حاکم بر آن جامعه را به حالت فرد محور درآید. در چنین وضعی است که این عدالت به اهداف خود که مهمترین آنها ایجاد یک جامعه امن است، نزدیک می‌شود.

شناسایی حقوق افراد حداقل به اندازه حقوق دولت‌ها با قراردادن عدالت انتقالی در یک سنت حقوقی رو به تکامل با عث می‌شود سازگاری عدالت انتقالی با حقوق بشر نشان داده شود. اگر رژیم نهادها و قواعد حقوق بشری در حقوق بین‌الملل توسعه یافته‌اند، برای آن بوده است که از حقوق افراد انسانی حمایت می‌نمایند. یقیناً توسعه عدالت انتقالی در جوامع امن با توجه به احترام به کرامت انسانی و حقوقی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و پیمان‌نامه‌های حقوق بشری نهفته است، امکانپذیر خواهد شد. توسعه قوی عدالت انتقالی و دفاع جدی جامعه بین‌الملل از آن سبب ایجاد تغییرات اساسی در حقوق بین‌الملل خواهد شد. به طوری که رهیافت مبتنی بر پایه دولت و حاکمیت به تدریج جای خود را به رهیافت مبتنی بر فرد انسانی خواهد داد. (سید فاطمی، ۱۳۸۲: ۱۳)

۳- ارتباط و چالش‌های مرتبط با عدالت انتقالی در مصر

۳-۱- ارزیابی عدالت انتقالی در برابر نقض حقوق بشر و بشردوستانه در مصر

بازداشت‌های خودسرانه، نبود آزادی تجمعات و آزادی بیان، وجود شکنجه در زندان‌ها

و نقض نظام مند حقوق بشر، مواردی هستند که عدم رعایت حقوق شهروندان مصری را در جامعه در حال انتقال مصر نشان می‌دهد. وضعیت حقوق بشر در مصر از زمان روی کار آمدن دولت 'السیسی' تغییر فاحشی نداشته است، به طوری که احزاب مخالف دولت و شماری از گروه‌ها و تشکل‌های مذهبی که مورد حمله دولت بوده‌اند، در حال حاضر امکان فعالیت ندارند؛ چرا که پس از اتفاق ژوئیه ۲۰۱۳ در مصر، وضعیت حقوق بشر در این کشور تضعیف شده و بسیاری از اعضای جریانات مخالف دولت مورد شکنجه قرار گرفته‌اند. البته این درحالی است که سیاسیون مصری این ادعاها را رد می‌کنند. اینجاست که جهانشمولی حقوق بشر می‌تواند به مثابه اهرم مناسبی برای دولت‌های غربی باشد تا با اعمال فشار از طریق سازمان‌های حقوق بشری به دولت قاهره، در ایجاد ثبات و ارتقای دموکراسی در مصر گام بردارند. در پی سرکوب تجمعات دانشجویی توسط مقامات مصری و دستگیری‌های خودسرانه و ایجاد جنایات بر صدها نفر از اتباع مصری سازمان عفو بین‌الملل جهت برقراری دموکراسی در آن کشور اعلامیه‌ای صادر نمود. در آن اعلامیه به سرکوب اعتراضات دانشجویی و توسل به زور با هر ابزاری از جمله تیراندازی گاز اشک آور در داخل محوطه دانشگاه برای خاتمه دادن به اعتراضات و همچنین بازداشت غیر قانونی افراد محکوم گردید. سازمان در ادامه در اعلامیه صادره اعلام نمود که هرگونه استفاده از زور توسط پلیس باید با رعایت قواعد بین‌المللی حقوق بشر انجام پذیرد و اعمال خشونتی در فرایند توسل به زور علیه افراد دانشجو که به طور مسالمت‌آمیز به راهپیمایی مشغول شده‌اند از سوی مقامات امنیتی مصر صورت نگیرد.^۱ این سازمان در گزارشی منتشر شده خود، افزود: یک هزار و ۴۰۰ مصری که اکثر آنان از طرفداران محمد مرسی بوده‌اند، در اقدامات خشونت بار کشته شده‌اند که علت مرگ بسیاری از آنان بر اثر توسل نیروهای امنیتی مصر به زور بوده است. سازمان عفو بین‌الملل تاکید کرد؛ در صورتی که مسئولان مصری شیوه تعامل خود را تغییر ندهند، زندان‌های مصر مملو از افرادی خواهد شد که به شیوه غیرقانونی بازداشت شده‌اند و همچنین بیمارستان‌های این کشور مملو از قربانیانی خواهد بود که نیروهای امنیتی مصر با خشونت به زور مرتکب شده‌اند.^۲

1 - <http://www.amnesty.ca>

2 - Ibid.

ارتش مصر، محمد مرسی رئیس جمهوری مصر را که مردم این کشور در ژوئن ۲۰۱۲ بعد از تظاهرات گسترده مردمی در همه مناطق مصر برای برکناری حسنی مبارک دیکتاتور مصر انتخاب کردند، برکنار کرد. پس از برکناری مرسی توسط ارتش، مصر صحنه اختلافات و اقدامات خشونت بار میان نیروهای امنیتی مصر و طرفداران مرسی شد. حسیبه حاج صحراوی معاون مدیر برنامه خاورمیانه و شمال آفریقا در سازمان عفو بین‌الملل در این گزارش اعلام کرد که مصر در هفت ماه اخیر، صحنه تجاوزهای گسترده به حقوق بشر بوده و مقامات مصری برخورد خشونت باری را داشتند که بی‌سابقه بوده است.^۱ این مقام سازمان عفو بین‌الملل در ادامه بر لزوم کاهش سلطه مسئولان مصری بر جامعه مدنی و دادن اجازه برای برگزاری تظاهرات مسالمت‌آمیز و دیگر اقدامات قانونی به مردم مصر تاکید کرد. وی اظهار داشت: سیاست‌های فعلی مقامات مصری به منزله خیانت به همه کسانی است که به دنبال صلح و آرامش و عدالت اجتماعی به عنوان خواسته‌های اصلی انقلابیون در انقلاب ۲۰۱۱ مصر هستند.^۲

از آنجائیکه عدالت انتقالی به اقداماتی می‌پردازد که به منظور جبران جنایات جدی تحت حقوق بین‌الملل همچون تعقیب افراد مسئول، تمرینات حقیقت‌گویی، پرداخت غرامت به قربانیان، ایجاد نهاد اصلاحات برای محافظت در برابر سوء استفاده است، لذا می‌توان به این نتیجه رسید که این امر در جامعه در حال انتقال مصر با نقض حقوق بشر و بشردوستانه هنوز محقق نشده است.

۲-۳- نقش عدالت انتقالی در ایجاد جامعه با ثبات مصر

از مهم‌ترین موضوعاتی که در جریان انقلاب مصر بروز کرد نقض فاحش حقوق بشر توسط مقامات حکومتی اعم از سیاسی، نظامی و امنیتی بود. از این رو، یکی از مهم‌ترین خواسته‌های مردم در کشور مصر که شاهد تغییر حکومت بوده، اجرای عدالت در قبال مقامات رژیم سابق، فرماندهان و مقامات امنیتی و نظامی و به طور کلی ناقضان حقوق بشر است. از آنجایی که این کشور شاهد تغییر رژیم از دیکتاتوری به دموکراسی می‌باشد و در

1 - www.amnesty.org/egypt-s-defence-human-right.

2 - Ibid.

عین حال، به عنوان یک جامعه در حال انتقال تلقی می‌گردید، روند اجرای عدالت انتقالی در این کشور موجب ثبات آن نگردیده است. چراکه که در مصر تاکنون مکانیسم‌های مختلف اجرای عدالت انتقالی به گونه‌ای نبود که مورد رضایت مردم این کشور گردد.

عدالت انتقالی در مصر در روند کاملاً معکوسی نسبت به خواست و مطالبات مردم پیش رفته است. اگرچه در روزهای اولیه و حتی در زمان حکومت مرسى سعی شد به عدالت قضایی به عنوان یکی از مهمترین خواسته‌های مردم رسیدگی شود اما کودتای نظامیان علیه دولت محمد مرسى سبب شد عدالت در قبال متهمان اجرا نشود کمیسیون‌های حقیقت یاب درباره حوادث و کشتار تظاهرکنندگان در جریان انقلاب مصر خیلی زود تشکیل شد. شورای ملی حقوق بشر مصر نیز در مارس ۲۰۱۱ گزارش‌هایی درباره نتایج کمیسیون‌های حقیقت یاب در خصوص حوادث مصر منتشر کرد. محمد مرسى، رئیس جمهور وقت، نیز در پنجم ژوئیه دستور جمع آوری اطلاعات و حقیقت‌یابی درباره کشتار تظاهرکنندگان در مناطق مختلف این کشور را صادر کرد. اما هیچ یک از این اقدام‌ها در مصر منجر به اجرای عدالت انتقالی در مصر نشد زیرا دستگاه قضایی مصر که شریک جنایات حسنى مبارک بود، بدون تغییر باقی ماند.

در نهایت در مصر دادگاه‌های متهمان به ویژه حسنى مبارک، جمال مبارک و حبيب العادلى، وزیر کشور رژیم مبارک، به اتهام کشتار و ضرب و جرح تظاهرکنندگان، رشوه خواری و فساد مالی آغاز شد. اما در جریان این دادگاه‌ها آنچه که فراموش شد عدالت بود، زیرا نظام قضایی مصر در قبال این دادگاه راهبرد اتلاف وقت را در پیش گرفت و در نهایت نیز نظامیان علیه دولت مرسى کودتا کردند و محاکمه‌ها به نمایشی صرف تبدیل شد. حسنى مبارک، جمال مبارک و حبيب العادلى از اتهام رشوه خواری و فساد ملی تبرئه شدند اما هنوز به اتهام کشتار و ضرب و جرح تظاهرکنندگان محاکمه نشدند.^۱ به علاوه خود مجریان عدالت اکنون در مصر متهم به نقض فاحش حقوق بشر هستند؛ زیرا در جریان کشته و زخمی کردن هزاران شهروند مصری نقش داشتند. تعلل در محاکمه

مقامات رژیم مبارک در حالی انجام می‌گیرد که دادگاه محمد مرسی و شماری از سران اخوان المسلمین در سریعترین زمان و به اتهام واهی جاسوسی و کشتار مردم برگزار شد و فرآیند برگزاری آن هنوز ادامه دارد. همگی این مسائل حاکی از عدم وجود اصلاحات در نظام حاکمیتی مصر می‌باشد که ایجاد ثبات در آن را به یک آرزو تبدیل کرده است. (دلآوری، ۱۳۸۸: ۳۰-۳۲)

دستاورد

عدالت انتقالی نقش مهمی در راستای ایجاد ثبات در جامعه در حال گذار و همچنین در جلوگیری از تکرار انواع خشونت‌ها و آزار و اذیت‌های آتی در جامعه انتقالی علیه افراد انسانی داراست. چشم پوشی از عدالت در روند ایجاد صلح نه تنها کمک به ایجاد صلح نمی‌کند، بلکه خود عاملی برای تداوم نا امنی، مخاصمه مسلحانه و خشونت می‌باشد. یکی از دلایل ایجاد انقلاب در مصر، بی‌عدالتی بوده است. ایجاد جامعه‌ای استوار بر ارزش‌ها و کرامت انسانی مستلزم تعمیق و ترویج فرهنگ مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی می‌باشد؛ در حالی که دامن زدن به فرهنگ معافیت و مصونیت و عدم پاسخگویی به جنایات فاجعه بار گذشته و حال و بی‌اعتنایی به خواست دادخواهان دهها قربانی برجای مانده از نقض حقوق بشد و بشردوستانه نه تنها ما را در مسیر صلح رهنمون نخواهد کرد، بلکه بیم آن می‌رود که شعله‌های جنگ را افروخته‌تر سازد. تا زمانی که عدالت تحقق نیابد، هیچ صلحی در هیچ جامعه‌ای از جمله جامعه مصر پایدار نخواهد بود.

از این رو عدالت انتقالی با پیدایش نهادهای بین‌المللی همچون دیوان بین‌المللی کیفری و شورای حقوق بشر در حال طی نمودن روند جهانی است. عدالت بنیاد اصلی هر حرکتی به سوی صلح در مصر را تشکیل خواهد داد و دوباره حیات این ملت را در دستار ستمکاران قرار نخواهد داد. اجرای عدالت، حاکمیت قانون در مصر را تقویت خواهد بخشید و این مهم جزء از طریق تقویت نهادهای قضایی، پلیس ملی و سایر نهادهای دولتی و محلی در سراسر مصر بوجود نخواهد آمد.

کمیسیون‌های حقیقت‌یاب بایستی رسیدگی به مواردی از جمله شکنجه، ناپدید شدن

اجباری افراد، قتل شهروندان به طور غیر قانونی را در راس فعالیت‌های خویش قرار دهند. علاوه بر این، دولت در حال گذار مصر باید اقدامات لازم را در جهت جبران فوری خسارات برای قربانیان نقض حقوق بشر در راستای ایجاد امنیت جامعه و همچنین نشان دادن حسن نیت خویش اعمال نماید. نهایتاً اینکه عدالت انتقالی در صورت اجرای صحیح و ضابطه‌مند قطعاً می‌تواند به عاملی مهم در ایجاد صلح پایدار و ثبات و آرامش و در عین حال زمینه‌ای برای حکومت‌های مردمی در مصر باشد.



پی‌نوشت‌ها

کتاب‌ها

- اسلامی ندوشن، محمد علی (۱۳۷۲)، ذکر مناقب حقوق بشر در جهان سوم، چاپ اول، تهران، نشر آرمان.
- بشیری، حسین (۱۳۸۰)، آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تاسیسی)، چاپ اول، تهران، موسسه نگاه معاصر.
- بنتام، ت دیوید (۱۳۸۳)، دموکراسی و حقوق بشر، ترجمه محمد تقی دلفروز، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- تاموشات، کریستیان (۱۳۸۶)، حقوق بشر، ترجمه و نگارش: حسین شریفی طرازکوهی، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- تیگر شتروم، باربارا فن (۱۳۸۹)، امنیت انسانی و حقوق بین‌الملل، ترجمه اردشیر امیر ارجمند و حمید قبری، چاپ اول، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- ذاکریان، مهدی (۱۳۸۸)، مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین‌المللی، چاپ دوم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- ذاکریان، مهدی (۱۳۹۲)، همه حقوق بشر برای همه، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- ذاکریان، مهدی (۱۳۹۳)، سازمان ملل و امنیت جهانی، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.
- قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۹۰)، حقوق بشر در جهان معاصر دفتر یکم: درآمدی بر مباحث نظری: مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع، چاپ سوم، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش.
- عباسی، مصطفی (۱۳۸۲)، افق‌های نوین عدالت ترمیمی میان‌جیگری کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشور، اول.
- منشی‌پوری، محمود، انگه‌ارت، نیل، ناتان، اندرو، فیلیپ، کاویتا (۱۳۸۷)، تکوین حقوق بشر در عصر جهانی شدن، ترجمه مهدی ذاکریان، چاپ اول، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

مقالات

- دلاوری، ابوالفضل (۱۳۸۸)، حقیقت و آشتی: نقش کمیسیون حقیقت‌یاب در حل منازعات سیاسی و بین‌المللی، پژوهش حقوقی، شماره ۲۶.

ذاکریان، مهدی، عمادی، سید رضی (۱۳۹۲)، عدالت انتقالی و امنیت بین‌المللی، فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال اول، شماره اول.

ذاکریان، مهدی (۱۳۸۹)، ایران و قواعد بنیادین حقوق بشر، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره سوم.

قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۲)، معاهدات حقوق بشری، فضایی متفاوت، مجله حقوقی، سال سی و یکم، شماره ۲۸.

Books:

Aust, Anthony (2006), Handbook of International Law, Cambridge University Press, Cambridge.

Chester man, Simon (2001), Just War or Just Peace Humanitarian Intervention and International Law, Oxford University press, New York.

Delbrueck, Jost (1987), International Protection of Human Rights and State Sovereignty, In Fredrick E. Snyder (ED), Third World Attitudes Toward International Law, Martinus Nijhoff Publishers.

Laurd, Evan (1995), International Society, Macmillan, London.

Ten, C.L., (1987), Crime, Guilt, and Punishment, Oxford: Clarendon Press.

Articles:

Bird, Annie (2012), Third State Responsibility for Human Rights Violations, The European Journal of International Law, Vol. 21 no. 4.

Benvenuti, Paolo (2014), Transitional Justice and Impunity, International Studies Journal, Vol. 11, no. 1

Gaspar, Des (2005), Securing Humanity: Situating Human Security as Concept and Discourse, Journal of Human Development, Vol. 6, no. 2.

Paust, Jordan J. (2013), International Law, Dignity, Democracy And The Arab Spring, Cornell International Law Journal, Vol. 46, no. 1.

Sarkin, Jeremy and Daly, Erin (2004), Too Many Questions, Too Few Answers: Reconciliation in Transitional Societies, Vol. 35, no. 3.

Perish, Emily C. and Shook, Jenay and Brahm, Eric Wiebelhaus (2012), Transitional Justice in the Wake of the Arab Spring. Paper Prepared for Presentation at the Annual Meeting of the International Studies Association, San Diego, CA, April 1-4.

Teson, Fernando R.(2001), The Liberal Case for Humanitarian Intervention, Florida State University College of Law, Public Law Research Paper No.39.

Document:

Questiaux, Nicole(1982),Study of the Implications for Human Rights of Recent Developments Concerning Situation Known as State of Siege of Emergency” UN doc, E.CN/4Sub.2/1982/15,27 July 1982.

UNGA, Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Cooperation among States in accordance with the Charter of the United Nations, 24 October 1970, A/RES/2625(XXV), available at: <http://www.refworld.org/docid/3dda1f104>.

